

## اروپای واحد:

# چشم انداز اروپا در سال ۱۹۹۳

سعید خالوزاده

مسابقه عملی طرح اروپای واحد که پس از تصویب در مجالس ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا از اول ژوئیه ۱۹۸۷ به اجرا درآمده است، در سال ۱۹۸۵ به اجلاس سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در میلان برمی گردد. پیشتر، در ۵ دسامبر ۱۹۸۲ در اجلاس سران کشورهای عضو بازار مشترک در کپنهاک پیشنهاد شده بود که تجدید نظری اساسی در عهدنامه سال ۱۹۵۷ در صورت پذیرد و متعاقب این پیشنهاد سران دولتهای عضو در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۵ در میلان فکر تجدید نظر در عهدنامه رم را در مورد تصویب قرار دادند،<sup>۱</sup> لازم به توضیح است که کشورهای اسپانیا و پرتغال تا سال ۱۹۸۶ عضو بازار مشترک نبودند و از اول ژانویه همین سال به عضویت پذیرفته شدند و سه کشور دانمارک، ایتالیا و یونان به دنبال برگزاری رفراندومی در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۸۶، طرح اروپای واحد را تصویب کردند. به موجب این سند تمامی موانع جغرافیایی، فیزیکی، گمرکی، فنی، مالی و اصولاً کلیه موانعی که به نوعی وجود یک بازار مشترک واقعی، داخلی و واحد را نفی می کند تا پایان سال ۱۹۹۲ حذف خواهد گردید.

چنانچه تخمین زده شده است در پایان سال ۱۹۹۲، بازار مشترک اروپا با بیش از ۳۲۵ میلیون نفر جمعیت بزرگترین قطب اقتصادی-تجاری جهان خواهد بود که بازاری فعال و قدرتمندتر از بازار آمریکا و ژاپن در صحنه جهانی به شمار می آید و با ایجاد این بازار واحد، حقوق گمرکی، محدودیتهای کمی و سهمیه بندیها در معاملات بین کشورهای عضو حذف خواهد گردید و این کشورها به صورت یک قدرت تجاری و طرف معامله واحد، با قوانین مشترک در برابر سایر کشورها عرض اندام خواهند کرد.

درهای این بازار بزرگ به روی بیش از ۳۲۵ میلیون اروپایی باز خواهد شد و در این راستا ضروری است که دولتهای عضو، قوانین و مقررات داخلی-ملی خود را هماهنگ و به یکدیگر نزدیک سازند و همچنین سیستمهای مالیاتی یکنواختی به وجود

آورده و هرگونه محدودیتی در خصوص جابه‌جایی افراد، سرمایه، کالا و خدمات را از میان بردارند. برخورداری از مزایای سیستم رقابت آزاد اقتصادی، اساس این بازار واحد و بزرگ است.<sup>۲</sup>

اهداف ایالات متحده اروپا، عبارت‌اند از: رشد و توسعه متناسب و مداوم اروپا، ارتقای سطح زندگی اروپاییان، جابه‌جایی و استقرار آزاد اتباع اروپا در هر کشور متحده که مایل به سکونت، اشتغال و تحصیل در آن باشند، امکان تأسیس آزاد شرکت توسط اتباع اروپای واحد در هر یک از کشورهای عضو، تعیین یک قیمت مشترک برای کالاهای صادراتی، دستیابی به تکنولوژی پیشرفته به منظور مقابله با تکنولوژی پیشرفته دیگر کشورهای صنعتی خصوصاً آمریکا و ژاپن، ایجاد یک سیستم واحد و هماهنگ مالیاتی و ایجاد پول واحد اروپایی قوی به نحوی که بتواند در مقابل دلار آمریکا وین ژاپن قدرت‌نمایی کند و در بازارهای بین‌المللی تأثیرات سیاسی-اقتصادی بر جای گذارده علی‌رغم تنگناها و مشکلات فراوان، زمینه‌های ساختاری تشکیل اروپای واحد روزبه‌روز تحقق بیشتری می‌یابد.

با توجه به تمایلات فرانسه، آلمان غربی و احياناً ایتالیا و بلژیک، برنامه‌ریزی در جهت یک نیروی دفاعی-امنیتی مستقل اروپایی که بتواند به کمک تسلیحات هسته‌ای، کلاسیک و جنگ افزارهای پیشرفته و مدرن اروپایی یک سیاست نظامی واحد را برای اروپای متحد به وجود آورد، راه را برای یک سیاست خارجی مستقل اروپایی هموار خواهد ساخت. امروزه افکار عمومی اروپا و دولتهای اروپایی، دیگر سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا را پذیرا نیستند، و شرایط امروز دیگر با شرایط سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یکسان نیست، به طوری که اروپا اجباراً بخواهد نفوذ و بار ثقیل آمریکا را تحمل کند. اروپا بازسازی شده است و اروپاییان در حال تقویت «هویت اروپایی» خویش‌اند. فکر اروپای واحد که فرانسویان منادی آن هستند، راه را برای رسیدن به این اهداف باز می‌کند و افکار عمومی اروپا نیز شدیداً از آن حمایت می‌نماید. بیهوده نیست که امروزه آلمان غربی در خصوص نوسازی موشک‌های هسته‌ای کوتاه‌برد با آمریکا به مخالفت برخاسته و علی‌رغم حساسیتها و فشارهای زیاد آمریکا و انگلیس حاضر نمی‌شود به نظریات آنها تن دردهد. حتی برخی از نمایندگان مجلس آلمان پیشنهاد کرده‌اند که اگر آمریکا باز هم در این خصوص فشار آورد، آلمان طرح خروج از ناتو را مورد توجه قرار دهد. فرانسه، ایتالیا، بلژیک و بعضی دیگر از کشورهای عضو بازار مشترک از موضع آلمان حمایت می‌کنند و تنها انگلیس مخالف جدی موضع آلمان غربی است. از طرف

دیگر در سایر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ناتو هر روز شاهد بروز تظاهرات و مخالفتها به خاطر استقرار پایگاهها و تسلیحات آمریکا در خاک این کشورها هستیم، بنابراین، جریان موجود روزه روز به سمت تقویت «هویت اروپایی» پیش می‌رود.

کمیسیون اروپا به منظور رسیدن به اهداف اروپای بدون مرز، ۲۸۶ متن اساسی را ضروری تشخیص داده است که بنا به گفته خانم ادیت کرسون، وزیر امور اروپایی فرانسه و مسئول فرانسوی در زمینه اروپای واحد ۱۹۹۳، در تاریخ نیمه اول ماه مارس، ۱۲۰ متن عمده مورد پذیرش قرار گرفته است. وی عنوان می‌کند که علی‌رغم اختلافات و تنگناهای کاری موجود، بسیاری از دستورات کلی مهم که اراده اروپا را در حرکت به سوی تحقق بازار بزرگ به طرزی گویا نشان می‌دهند، پذیرفته شده‌اند. و می‌افزاید جریان آزاد سرمایه‌ها، شناسایی متقابل مدارک تحصیلی، گشایش سندیکاها، عمومی کار، هماهنگ کردن مصالح و لوازم ساختمانی و امور عام‌المنفعه موارد بااهمیتی هستند که مورد قبول قرار گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

اصولاً زمینه‌ها و مسائل بسیاری در ایجاد فکر اروپای بدون مرز دخالت داشته‌اند که رئوس کلی آنها عبارت‌اند از:

تغییر در حساسیتهای مسائل شرق و غرب، جریان تشنج‌زدایی، توافق دوا بر قدرت برای مذاکره در زمینه خلع سلاح کلاسیک و اتمی، پیشرفت تکنولوژی عالی در زمینه‌های ارتباطات، فضا، کامپیوتر، الکترونیک و انرژی که بیشتر در مورد آمریکا و ژاپن منظور نظر هستند و احساس عقب‌افتادگی علمی-صنعتی در برابر آمریکا و ژاپن و لزوم جبران آن، کاهش وحشت از نفوذ کمونیسم و سلطه شوروی، تثبیت اوضاع سیاسی-اقتصادی اروپای غربی در قبال آمریکا، بازیافتن هویت اروپایی، از بین رفتن زمینه‌های جنگ جهانی و هسته‌ای، جایگزینی نسل جدید در صحنه سیاسی جهان که تجربه‌های جنگی دومین جنگ جهانی را ندارند و بالاخره ارتقاء وضعیت رفاهی و روحی افراد ساکن در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا.

ژاک دلور رئیس فرانسوی کمیسیون اروپا در این زمینه چنین اظهار داشت:

«فکر اروپای بی‌مرز نه تنها مسابقه با زمان نیست، بلکه حرکتی علیه محدودیتهای بیشتر و در جهت یک هدف مشترک است که ما را قادر می‌سازد بر مشکلات روزانه خود فاتق آمده توان خود را متمرکز و انرژی خویش را جمع کنیم.»<sup>۴</sup>

بنابراین «قانون اروپای واحد» ضمن اینکه امکان مقابله با غولهای

صنعتی-اقتصادی را مد نظر دارد، رسیدن به اقتصاد پیشرفته اروپایی با ابعاد پولی و مالی را در برنامه کار خود قرار داده است. بازار واحد محتاج ثبات در مبادلات ارزی و سیاست پولی هماهنگ اروپایی است که در این جهت اتحاد پولی اروپایی یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین عوامل تشخیص داده شده است که در عین حال مشکلات بسیاری فراراه آن قرار دارد.

#### آثار منطقه‌ای ایجاد اروپای واحد

تحقق بازار بزرگ اروپا موجب کاهش برخی هزینه‌ها برای بنگاهها و شرکتهای تولیدی، کاهش قیمتها و افزایش مشاغل جدید خواهد شد و بدین ترتیب آنها را از قدرت رقابت بیشتری برخوردار می‌سازد، بنابراین شکی نیست که ایجاد یک «اروپای بدون مرز» در غرب اروپا به نفع شرکتهای جامعه اروپا خواهد بود و منافع اقتصادی بیشتری برای جامعه در بر خواهد داشت. در عین حال، رعایت کردن کوتاه مدت ملی‌گرایی اقتصادی اروپایی برای تقویت قدرت رقابت جهانی آنها ضروری است.<sup>۵</sup>

گزارش «سی شی نی» که از سوی کمیسیون بازار مشترک اروپا به عنوان یک کار بسیار جدی انتشار یافته، پیش‌بینی نموده است که با ایجاد بازار واحد اروپا تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی بین ۴/۵٪ تا ۷٪ افزایش می‌یابد، و در حدود ۱/۸ تا ۵ میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد و نیز قیمت کالاهای مصرفی بین ۴/۵٪ تا ۶٪ کاهش خواهد یافت. این دستاوردها افزایش هزینه‌های بودجه و یا کسری تراز بازرگانی کشورهای عضورا به دنبال نخواهد داشت، بنابراین طبق محاسبات دقیق انجام شده توسط این کمیسیون انتظار می‌رود تحولات ناشی از تشکیل اروپای واحد سال ۱۹۹۳ در سطح اقتصاد، خود به میزان قابل ملاحظه‌ای موجب افزایش کارایی واحدهای تولیدی گردد به طوری که آثار آن در سطح اقتصاد کلان اروپایی نیز به صورت یک «بهبود کلی» اوضاع اقتصادی ظاهر شود.<sup>۶</sup>

بنابه گزارش اخبار جامعه اقتصادی اروپا مورخ آوریل ۱۹۸۸، حذف موانع گمرکی ۶۵ تا ۸۰ میلیارد اکو\*، صرفه‌جویی‌های مقیاس\*\* به خاطر تشکیل واحدهای

\* ECU: European Currency Unit

اکو، عنصر سیستم پولی اروپاست که ارزش آن معادل ۱/۱ دلار آمریکا و ۷ فرانک فرانسه می‌باشد.  
 \*\* با افزایش تولید، در بکارگیری عوامل تولیدی می‌توان بنحو قابل توجهی صرفه‌جویی نمود.

تولیدی عظیم ۶۱ میلیارد اکو، گسترش رقابت و تضعیف شرکتهای انحصاری ۴۶ میلیارد اکو، سایر امتیازات ناشی از ادغام بازارهای اروپایی ۶۲ تا ۱۰۷ میلیارد اکو و اصولاً جمع کل صرفه‌جویی‌ها و منافع مورد انتظار ۱۲ کشور جامعه اروپایی به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۸، براساس ایجاد بازار واحد اروپا، بین ۱۷۰ تا ۲۵۰ میلیارد اکو خواهد بود که ۴/۲۵٪ تا ۶/۲۵٪ رشد نسبت به تولید ناخالص داخلی کل کشورهای عضو را نشان می‌دهد. این ارقام ضمن اینکه نشان می‌دهد حذف هزینه‌های اضافی مزایای بسیاری برای بازار واحد خواهد داشت، در عین حال انجام اصلاحات و بازسازی‌هایی را در همه کشورهای عضو ضروری می‌سازد و ایجاب می‌کند تا همزمان با تحقق بازار داخلی، تدابیر هماهنگ و حفاظت‌کننده‌ای (سیاست اجتماعی، سیاست منطقه‌ای، سیاست پژوهشی و صنعتی) به مورد اجرا گذاشته شود.<sup>۷</sup> در این جهت لازم است حمایت‌های دولتی از شرکتها و کارخانه‌های ملی حذف گردد و اگرچه این امر منجر به ورشکستگی و رکود برخی از بنگاههای تولیدی خواهد شد، ولی خانم ادیت کرسون در این زمینه چنین می‌گوید:

«سازندگی اروپا تنها شانس ماست و حمایت‌های دولتی تنها به صورت موقت کارساز بوده و در نهایت محکوم به فناست.»<sup>۸</sup>

با در نظر گرفتن کسب مزایا و منافع قابل توجه اقتصادی برای اروپای واحد ۱۹۹۳، ذکر این نکته ضروری است که منافع حاصله برای تمامی ۱۲ کشور عضو یکسان و متعادل نیست. بیشترین منفعت را کشورهای بزرگ و پیشرفته عضو همچون آلمان غربی، فرانسه و انگلستان خواهند برد و شرکتهای فعال، پرتحرک و عظیم مستقر در این کشورها بیشتر از سایر قسمت‌ها از مزایای فضای رقابت آزاد اروپایی بهره‌مند خواهند شد. در عوض کشورهای کم‌توسعه جنوب اروپا چون اسپانیا، پرتغال و یونان ممکن است در مجموع از وضعیت بهتری برخوردار شوند، و در دراز مدت وضعیت مساعدتری پیدا کنند ولی در عین حال در کوتاه مدت مشکلات اجتماعی-اقتصادی بسیاری در سر راهشان ایجاد خواهد شد. این کشورها علاوه بر مشکلات متعددی که در زمینه ایجاد تغییرات بنیادی در اقتصاد خود جهت تطبیق با شرایط جدید خواهند داشت با مشکل کسری تراز پرداختها، که ناشی از افزایش شدید واردات و کاهش صادرات می‌باشد، روبرو خواهند شد و واحدهای تولیدی آنها- که بعضاً کوچک و کم‌تحرک هستند- بزحمت می‌توانند از گسترش بازار و دامنه رقابت بهره‌گیرند و ممکن است حیات اقتصادی آنها نیز به مخاطره

افتد.<sup>۹</sup>

با توجه به اینکه حذف مرزهای گمرکی و تشکیل بازار واحد اروپایی باعث تشدید رقابتها خواهد شد و قدرت مانور واحدهای اقتصادی فعال و پرتحرک را به میزان قابل توجهی بالا خواهد برد، می‌تواند موجبات ورشکستگی و حذف واحدهای اقتصادی کوچک خصوصاً در کشورهای کمتر پیشرفته عضو را فراهم آورد. این امر خود موجب افزایش بیکاری در این کشورها و واحدهای مزبور می‌گردد؛ زیرا این واحدها با توجه به محدودیت و عدم قدرت مانور زیاد نمی‌توانند براحتی به بخش دیگری از اقتصاد روی آورند و عدم برخورداری از تکنولوژی پیشرفته و ناتوانی در تشکیل دوره‌های آموزش مناسب جهت انتقال کارگران، از مشکلات این واحدهاست. از طرف دیگر واحدهای اقتصادی پیشرفته و فعال می‌توانند از شرایط رقابت آزاد در بازار بزرگ استفاده کنند و تبدیل به غولهای اقتصادی-صنعتی پیشرفته شوند و با داشتن قدرت مانور و انعطاف بسیار با برخورداری از تکنولوژی پیشرفته و تشکیل دوره‌های آموزشی کارگران بخشهای دیگر را جذب کرده و ضمن تبدیل به کارگران ماهر و حرفه‌ای سطح اشتغال را افزایش داده و به روند اقتصادی بازار واحد کمک کنند. این امر از طرفی موجب حذف و نابودی واحدهای کوچک اقتصادی شده و از طرف دیگر باعث ادغام بنگاههای کوچک و متوسط و بزرگ تولیدی در یکدیگر خواهد شد و در این صورت است که بعد از گذشت چند سالی شاهد ظهور «تراست اروپایی» خواهیم بود. لازم به یادآوری است که ادغام شرکتهای تولیدی اروپایی از مدتی پیش آغاز شده است.<sup>۱۰</sup>

در هر حال گزارشها و بررسی‌های مختلف نشان داده است که اروپای واحد ۱۹۹۳ منافع قابل توجهی برای کشورهای عضو به بار خواهد آورد و اگرچه میزان این منافع برای کشورها یکسان نیست ولی در هر حال باعث رشد اقتصادی در تمامی کشورها می‌شود و قدرت رقابت و پیشرفت اعضا را افزایش می‌دهد که در دراز مدت سیر صعودی خواهد یافت و نهایتاً مانع از افزایش اشتغال شده و بیکاری را نیز کاهش خواهد داد. بنابراین مشاهده می‌شود که تشکیل بازار واحد اروپایی تحولات چشمگیری را در سطح اروپا به وجود خواهد آورد، که این تحولات خود با توجه به ساختار اقتصادی-صنعتی و اجتماعی هر منطقه، چشم‌انداز مختلفی خواهد داشت.

اتحاد پولی اروپا

یکی از محورهای عمده‌ای که در تشکیل اروپای واحد ۱۹۹۳ منشاء بحثهای

پیچیده و اختلاف برانگیز و در عین حال بسیار اساسی بوده است، مسئله اتحاد پولی و ایجاد یک بانک مرکزی اروپایی و استفاده قابل توجه از واحد پول اروپایی می باشد. در حال حاضر فکر تأسیس بانک مرکزی از طرف برخی از صاحب نظران اروپایی مشابه «فدرال رزرو ایالات متحده» فرض شده، که در جایگاه مستقل و با حضور اعضا و دوازده نماینده داخلی می تواند تصمیمات را اتخاذ نماید.<sup>۱۱</sup>

عنصر اصلی سیستم واحد پولی اروپا، اکو واحد پول فعلی اروپا می باشد. «سیستم واحد پولی اروپا»<sup>\*</sup> در سال ۱۹۷۹ به وجود آمده و تاکنون موفقیت های چشمگیری از خود نشان داده است. ثابت گردانیدن نوسانات ارزهای داخلی، پایین آوردن نرخ تورم، همسویی اقتصادی، بهبود مکانیسم اعتبار و ذخیره سازی ثابت سرمایه ها از نتایج قابل توجه آن است. بعد از اینکه سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در سپتامبر ۱۹۸۷ در شهرهای Bosilea و Nyborg گرد هم آمدند و به منظور همکاری های مالی-اقتصادی مشترک تغییرات مختصری در قوانین «سیستم واحد پولی اروپا» به وجود آوردند، کارایی این سیستم بیشتر نمایان شد. کشورهای که به مکانیسم مبادلات «سیستم واحد پولی اروپا» ملحق شده بودند، نرخ تورم پایینتری داشتند و به علاوه از نرخ رشد اقتصادی بیشتری نسبت به آمریکا و ژاپن برخوردار بودند. بنابراین سیستم واحد پولی اروپا ایده اتکای متقابل اقتصادی را به ارمغان آورد. بنا به گفته گزارشگر کمیسیون اقتصادی و پولی پارلمان اروپا کشورهای عضو بازار مشترک اخیراً در زمینه هماهنگی سیاست اقتصادی خود پیشرفت های مهمی کرده اند و پولها و نرخهای مبادلاتی آنها دارای ثبات بی سابقه ای شده است.<sup>۱۲</sup>

اوت مرفرانس، دمکرات مسیحی آلمانی و گزارشگر کمیسیون اقتصادی و پولی در راستای دستیابی به اتحاد پولی اروپا پیشنهاد نموده است تا پولهای ملی در سال ۱۹۹۴ حذف گردیده و از سال ۱۹۹۵ نخستین اسکناسهای اروپایی منتشر شود و یک بانک مرکزی اروپایی از اول سال ۱۹۹۵ مبنی بر یک «اصل فدراتیو» به وجود آید.

وی به منظور دستیابی به این هدفها از کشورهای عضو کامل نظام پولی اروپا؛ یعنی فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، دانمارک و ایرلند خواسته است که از هم اکنون تا سال ۱۹۹۳ از طریق یک اقدام جمعی به همکاری های خود جنبه رسمی و قانونی داده و یک شورای بانکی اروپایی مرکب از رؤسای بانکهای

\*SME: System Monetary European.

مرکزی و یک شورای اروپایی سیاست اقتصادی و مالی مرکب از وزیران اقتصاد و دارایی کشورهای عضو تأسیس نمایند. تنظیم حجم پول در گردش، اعمال سیاست، نرخ بهره، یکسان، گسترش یک سیاست پولی اروپایی در مقابل سایر کشورهای جهان و هدایت سیاستهای مالی - اقتصادی کشورهای عضو از وظایف این دو شورا خواهد بود. در این طرح بانک مرکزی اروپایی صلاحیت انتشار واحد پول اروپایی به صورت اسکناس را خواهد داشت و کشورهای عضو فقط مجاز به ضرب سکه خواهند بود.

پولهای ملی ضمن اینکه ارزش برابری خود را با پول واحد اروپایی تا پایان سال ۱۹۹۳ حفظ خواهند کرد، در عین حال باید تا پایان سال ۱۹۹۴ از دور خارج شوند. ۱۳ در ارتباط با اتحاد پولی اروپا مشکلات بسیار بزرگی بر سر راه است و اصولاً تأسیس یک بانک مرکزی مستقل اروپایی که مسئول انجام تمام وظایف بانکهای مرکزی باشد بدون اینکه در تصمیمات سیاستهای پولی خود تابع دستورات دولتها، کمیسیون، شورا و پارلمان اروپا باشد، امری بسیار ثقیل به نظر می رسد و از طرفی علاوه بر مخالفت جدی انگلستان با اتحاد پولی در خود کمیسیون اقتصادی پارلمان اروپا در خصوص طرح مذکور اتفاق نظر وجود ندارد و از میان ۲۰ نفر نماینده، فقط ۱۲ نفر رأی مثبت در مقابل ۸ رأی منفی ارائه کرده اند.

در ارتباط با انگلستان مشکل است بتوان این کشور را در الحاق به نرخ ارزی سیستم اروپایی متقاعد ساخت. چنانچه انگلستان برای عضویت در سیستم پولی اروپایی اقدام کند، با مشکلاتی روبه رو خواهد شد که روابط آن را با کشورهای مشترک المنافع و آمریکا و کانادا تنزل خواهد داد، لذا چنانچه ثبات پولی یک مانع فرعی برای عملکرد بازار واحد باشد، یک سبد پوند، فرانک و مارک برای جلب رضایت انگلستان در مورد «سیستم پولی اروپایی» مورد نیاز خواهد بود؛ اگرچه موافقت اکراه آمیز خانم تاچر در اجلاس سران بازار مشترک اروپا در هانوفر در ژوئن ۱۹۸۸ برای مطالعه در خصوص یک بانک اروپایی، یک امتیاز محسوب می شود، ولی در عین حال ملاحظات و نظریات وی درباره اروپای ۱۹۹۳ همچنان قابل توجه است. ۱۴

#### آثار خارجی اروپای واحد

از دیگر مطالب قابل بررسی در تشکیل اروپای واحد ۱۹۹۳، آثار و نتایج این اتحاد در ابعاد خارجی و بین المللی است. اصولاً طرح این فکر در میان اکثر کشورهای دنیا عکس العملها و نگرانی های زیادی را به وجود آورده است. همگی متفق القول اند که



طرف شدن با یک اروپای متحد، منسجم، یکپارچه و قوی بسیار مشکلتر از رویارویی با یکایک کشورهای تشکیل دهنده این اتحاد است. این نگرانی‌ها نه تنها در بین کشورهای جهان سوم وجود دارد، بلکه واشنگتن و توکیو نیز از آن نگرانند، خصوصاً اگر بازار واحد اروپا توانایی اقتصادی سردمداران اروپایی تجارت جهانی را افزایش دهد. لاجرم نگرانی دولتهای غیر عضو جامعه اروپا در اواخر قرن و عمدتاً اواخر دهه ۸۰ بیشتر خواهد شد. این امر توسط برخی از اعضای اتحادیه تجارت آزاد اروپا (سوئیس، اتریش، فنلاند، سوئد، نروژ، و ایسلند) بیان شده است. این کشورها نه تنها در مورد خارج شدن از حوزه پیشرفت قاره‌ای نگرانی دارند، بلکه این ترس در میان آنها ایجاد شده که در اروپای ۱۹۹۳ آنها مجاز نباشند «صادرات صنعتی بدون گمرک» خود را در سطح قاره اروپا عملی سازند. این مسئله قابل تصور است که به همان نسبت که جامعه اروپایی در جهت آزادی کالاهای سرمایه‌ای و نیروی کار حرکت می‌کند، بازار واحد اروپا به حفظ برخی موانع خارجی سیاستهای حمایتی ادامه خواهد داد که از جمله کنترل صادرات اتوماتیک ژاپن و آمریکا خواهد بود. این امر از هم‌اکنون آشکار شده است و اخیراً در اجلاس آوریل سال جاری وزرای صنایع عضو اتحادیه اروپا به منظور حمایت از صنایع اتومبیل سازی اروپا در مقابل هجوم اتومبیل‌های صادراتی ژاپن موافقت گردید که سهم صادرات اتومبیل ژاپنی در کل بازار اروپا از مرز ۱۱٪ فراتر نرود. این توافق شامل تمام اتومبیل‌های ژاپنی، البته صرفنظر از کشور محل تولید آنها خواهد بود.

جامعه اقتصادی اروپا این نکته را بخوبی تشریح نموده که ورود بی‌قید و شرط به بازار اروپای غربی تضمین شده نیست و به هر حال نتیجه نهایی معامله متقابل جدید با شرکای تجاری اروپا خواهد بود. بنابراین یک استراتژی توسعه صنعتی و سیاست بازرگانی جامعه اقتصادی اروپا در راستای اروپای ۱۹۹۳ ظاهر شده و موافقتنامه‌های تجاری متقابل بسیار دقیق نیز بر آن اساس تنظیم خواهد شد.<sup>۱۵</sup>

کشورهای طرف معامله با بازار مشترک نگران این مسئله هستند که سیاست اروپای واحد در قبال سایر کشورها چگونه خواهد بود و آیا ۱۲ کشور عضو پیرو آزادی تجارت جهانی خواهند بود و یا سیاستهای حمایتی را برای حفظ مؤسسات اقتصادی و واحدهای تولیدی خویش در مقابل کشورهای دیگر اعمال خواهند کرد، و اصولاً آیا اروپای واحد قوانین تجارت بین‌الملل را محترم خواهد شمرد؟

در پاسخ به این سؤالات و نگرانی‌ها، کمیسیون اروپا که قوه مجریه بازار مشترک بشمار می‌رود خاطر نشان ساخته است که بازار مشترک «سیاست مقابله

به مثل « را تعقیب خواهد کرد؛ بدین معنا که در مقابل کشورهای که بر روی مؤسسات تجاری اروپا سیاست درهای باز را اعمال نمایند، سیاست مشابهی را در پیش خواهد گرفت. کشورهای غیر عضو بازار بزرگ اروپا ضمن اینکه اروپای ۱۹۹۳ را حصار بستن عنوان می‌کنند ابراز می‌دارند که تقاضای کشورهای اروپایی از سایر کشورهای دنیا برای منطبق نمودن قوانین آنها با این کشورها امری نادرست می‌باشد و اروپای ۱۹۹۳ باید از هرگونه اقدامی که باعث محدود شدن تجارت شود اجتناب نموده و اصل برابر قوانین در مورد شهروندان و خارجیان را مراعات نماید. کمیسیون اروپا بر موضع خود تأکید می‌نماید و تصریح می‌کند که اجرای سیاست مقابله به مثل هیچ‌گونه تناقضی با قوانین تجارت بین‌الملل ندارد و جلوه دادن بازار مشترک به صورت یک حصار بسته، امری نادرست و خطرناک است زیرا کشورهای عضو بازار مشترک اولین و بزرگترین صادرکننده در سطح جهان هستند و از این رو اقتصاد این کشورها وابستگی بسیاری به تجارت بین‌الملل دارد و اعمال سیاستهای درهای بسته و ایجاد حصار برای آنان مفید و سودآور نخواهد بود. از طرفی کشورهای عضو بازار بزرگ اروپا قوانین بین‌المللی را محترم خواهند شمرد ولی در عین حال، در حال حاضر توافق یکجانبه اروپا را با توجه به اجرای سیاست درهای باز مقتضی نمی‌دانند.<sup>۱۶</sup>

از طرف دیگر علی‌رغم مخالفت و نگرانی کشورهای غیر عضو بازار مشترک خصوصاً کشورهای پیشرفته صنعتی، شرکتهای چند ملیتی که قبلاً در اروپای غربی مستقر شده و فعالیت داشتند، جزء بزرگترین مشتاقان تشکیل اروپای واحد در سال ۱۹۹۳ به حساب می‌آیند. این شرکتها که عمدتاً مدیران عامل آمریکایی دارند با استقبال از کاهش ارزش دلار باعث توانایی اروپا شده‌اند؛ چرا که کالاهای آنها در این قاره جذابیت بیشتری دارد و از طرفی نگرانی شرکتهای ژاپنی از اروپای سال ۱۹۹۳ باعث شده است تا موارد تأسیس شرکتهای ژاپنی در کشورهای عضو بازار مشترک در مدت بسیار کوتاهی افزایش زیادی پیدا کند و به بیش از ۴۰۰ شرکت برسد. ژاپن امیدوار است از هم‌اکنون با حضور گسترده در بازار واحد اروپا و ادغام در شرکتها اروپایی در مقابل آثار نگران‌کننده اروپای واحد بایستد و به نوعی زمینه‌های آثار سوء این اتحاد را از هم‌اکنون به حداقل برساند.

از دیگر عوارض تلاش در جهت تشکیل اروپای متحد، عدم پذیرش عضو جدید تا سال ۱۹۹۳ در بازار مشترک اروپاست. فرانسوامیتران، رئیس‌جمهور فرانسه، در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۸۸ در بن، در پنجاه و دومین نشست سران فرانسه و آلمان غربی در

خصوص تقاضای عضویت اتریش و ترکیه در بازار مشترک گفت:

«موضوع می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد مع هذا ۱۲ کشور عضو بازار مشترک در خصوص تشکیل اروپای واحد تا سال ۱۹۹۳ مشکلات فراوانی دارند که مانع از رسیدگی به تقاضاهای فراوان جهت ورود به بازار می‌شود.»

همچنین ژاک دلور، رئیس فرانسوی کمیسیون اروپا، در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۸۹ در بروکسل خاطرنشان ساخت:

«بازار مشترک اروپا پیش از سال ۱۹۹۳ هیچ عضو جدیدی نمی‌پذیرد و نیز ایجاد بازار واحد برای جامعه اقتصادی اروپا تقدم مطلق دارد.»

در عین حال می‌توان پیش‌بینی نمود که یکی از انعکاسات بسیار مهم تشکیل اروپای واحد در سال ۱۹۹۳ مقابله این اتحادیه با کشورهای جهان سوم است. کشورهای غربی تاکنون بخوبی دریافته‌اند که چنانچه سیاستهای خود را هماهنگ نکنند، کشورهای جهان سوم هم به نوبه خود می‌توانند از اختلافات و رقابتهای آنان در جهت منافع خود بهره‌برداری نمایند. لذا به نظر می‌رسد اروپای غربی در سال ۱۹۹۳ در برابر کشورهای جهان سوم یک سیاست اقتصادی-سیاسی مشترک و یکدست را در پیش خواهد گرفت و سعی خواهد نمود با اتفاق نظر در جهت منافع کشورهای عضو اروپای واحد با جهان سوم روبرو شود.

1. *Le Monde Diplomatique*, (Paris: Mars 1989), P.24.

۲. روزنامه رسالت، (۱۰ بهمن ۶۷) ص ۳، ترجمه از مجله تاریخ معاصر.

3. *Heldomadaire le Moci*, (Paris, 3 Mars 1989), P.31.

۴. روزنامه رسالت، (۱۰ بهمن ۶۷)، ص ۳، ترجمه از مجله تاریخ معاصر.

5. *Le Monde Diplomatique*, (Paris, Mars 1989), P. 25.

۶. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، (۶ بهمن ۶۷)، ص ۹.

۷. «گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس»، (۶ بهمن ۶۷)، ص ۱۱.

8. *Hebdomadaire Le Moci*, (Paris, 3 Mars 1989), p. 32.

9. *Les Echos*, (Paris, 14 Avril 1989), P.8.

10. *Heldomadaire Expresse*, (Paris, 28 April 1989), P.38.

11. *Le Monde*. (Paris, 3 April 1989), P. 10.

۱۲. «گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در رم»، (۱۵ فروردین ۶۸)، ص ۲.

۱۳. بولتن اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس: شماره ۱۱، (۲۵ اسفند ۶۷)، ص ۳.
۱۴. روزنامه رسالت، (۱۰ بهمن ۶۷)، ص ۲: ترجمه از مجله تاریخ معاصر.
15. *Le Monde Diplomatique*, (Paris, Fevrier 1989), P.14.
۱۶. «گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس»، (۲۲ دی ۶۷)، ص ۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی